

نگاهی به سفرنامه‌نویسی در ایران و جهان

پگاه خدیش*

سفرنامه

سفرنامه‌ها گرچه از منابع جغرافیایی محسوب می‌شوند، اما تأمل اطلاعات تاریخی در خصوص جوامع بشری هستند. برای سفرنامه‌ها گذشته از ارزش تاریخی، به‌عنوان آثاری که منشأ یا دست کم تسریع‌کننده تحولات اجتماعی و فرهنگی شده‌اند، نیز نقش قائل هستند. به‌آسانی می‌توان تصوّر کرد که اگر فناوری حمل و نقل، مسافرت را سهل و ساده نکرده بود؛ و فناوری ارتباطات، به‌ویژه سینما و تلویزیون، مشاهده سرزمین‌ها و مردمان دیگر را به تجربه‌ای روزمره و همگانی تبدیل نکرده بود، سفرنامه‌ها به‌عنوان تنها منبع اطلاعات دست‌اول از سرزمین‌ها و مردمان دیگر، اهمیت بسیاری داشتند. با این وجود، سفرنامه‌ها به‌انتقال تجربه‌های فردی مسافر مربوط می‌شود، و بیشتر کارکرد سرگذشتنامه خودنوشت را دارد.

سفرنامه‌ها را به‌سه‌گروه حقیقی، تمثیلی، و خیالی تقسیم می‌کنند. سفرنامه حقیقی، شرح و گزارش سفری است که به‌راستی در جهان خارج انجام گرفته است. تسکین یک روح آزمند به‌تعالی، یا اثبات و تبلیغ چنین سفری از فواید سفرنامه‌های تمثیلی است که از نمونه‌های آن می‌توان به‌ارداویراف‌نامه؛ مصباح‌الارواح از محمد بردسیری (قرن ۶)؛ و سیرالعباد الی‌المعاد اثر سنایی غزنوی (قرن ۶) اشاره کرد (۲۲-۴/۲).

منظور از سفرنامه‌های خیالی آن است که نویسنده با استفاده از قوه‌ی وهم و خیال و با الهام از مشاهدات قبلی خویش به‌نگارش پردازد. از نمونه‌های قابل ذکر سفرنامه‌های

* پژوهشگر ایرانی.

خیالی کتاب حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه و یا سیاحت‌نامه زین‌العابدین مراغه‌ای است. از سفرنامه‌های خیالی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف) سفرنامه‌های فلسفی مانند حیّ بن یقظان اثر ابوعلی سینا؛ ب) سفرنامه‌های اخلاقی - مذهبی مانند «کمدی الهی» نوشته دانته یا سیاحت غرب اثر آقا نجفی قوچانی؛ ج) سفرنامه‌های اجتماعی- سیاسی مثل «سفرهای گالیور» اثر جاناتان سوئیفت انگلیسی (۱۶۶۷-۱۷۴۵ م) که با سبکی آمیخته با طنز و مطایبه از اوضاع زمانه انتقاد می‌کند؛ و د) سفرنامه‌های علمی- تخیلی مانند سفرنامه‌های ژول ورن و داستان‌های تخیلی او.

سابقه سفرنامه‌نویسی در جهان

برخی از کهن‌ترین گزارش‌های سفر متعلق به مصریان است که قدمت یکی از آن‌ها به سده ششم پیش از میلاد می‌رسد، و آن سفرنامه کوسموس اسکندرانی است (حدود ۵۴۸ ق.م.) که گزارش سفرهایش به اتیوپی، هند غربی، و سیلان است (۶: ج ۲، ص ۸۱۷).

مگ استنس، سفیر سلوکوس اول در هند در ۲۹۵ ق.م.، با نوشتن کتابی درباره هندوستان، دنیای یونان را به‌شگفتی وا داشت. مورخ یونانی پولویوس (۲۰۸-۲۹۰ ق.م.) که تاکنون کسی در تاریخ‌نویسی با وسعت تحصیل و سفر و تجربه او پیدا نشده است، با افتخار از سفرهایی سخن می‌گوید که در جست‌وجوی اطلاعات و اسناد و حقایق جغرافیایی بوده است (۸: ج ۲، ص ۶-۶۸۵). در میان نویسندگان رومی، هوراس (۶۵ ق.م.-۸ م.) گزارشی از سفر خود به برون‌دیسوم^۱، شهری در ایتالیا کنونی، به‌یادگار گذاشته است. از دیگر گزارش‌های جالب، سفرهای گایوس سولینوس (سده سوم)، به بریتانیا و آسیاست. استرابون، جغرافی‌دان معروف یونانی، بسیاری از مطالبش را برپایه دیده‌ها و سفرهای خود آورده است.

از کهن‌ترین سفرنامه‌های چینی‌ها باید از سفرنامه فا-هیان^۲ (حدود ۴۱۴-۳۹۹ م) در شرح سفرش به هند؛ و سفرنامه هونن تسانگ، زائر چینی که در اواخر روزگار ساسانیان

-
1. Brundisium.
 2. Fa-Hian.

به‌سرزمین‌های همسایه ایران سفر کرده بود، یاد کرد (۶: ج ۲، ص ۸-۸۱۷). سرگذشت سفر سلیمان تاجر، قدیمی‌ترین وصف عربی از دیار چین است که ۴۲۵ سال قبل از مارکوپولو نوشته شده است (۹: ج ۴، ص ۳۱۱). جووانی دو پیانو کارپینی^۱ در آوریل ۱۲۴۵ م. به‌دربار خان مغول در قراقرم اعزام شد. مأموریت او توأم با کامیابی نبود، لکن پس از بازگشت به‌اروپا داستان سفر خویش را به‌رشته تحریر کشید. این مجموعه سلیس و دقیق، امروز در زمره کتاب‌های کلاسیک ادبی جغرافیا به‌شمار می‌رود (۹: ج ۴، ص ۳۳۶). مشهورترین سفرنامه‌نویس اروپایی را باید مارکوپولو بدانیم. وی در ۱۲۵۴ م در ونیز به‌دنیا آمد. کتاب «شرح جهان» یا همان «سفرنامه مارکوپولو»، شرح سفر طولانی او به‌خاور دور و اقامت هفده ساله‌اش در چین است. پولو در هر نقطه، شرایط جغرافیایی، وضعیت و ثروت‌های طبیعی، راه‌ها، خلق و خوی مردم، آداب و سنن، و خلاصه آنچه را که مفید می‌دانست شرح می‌داد (۱۷: ج ۸، ص ۱۳). وی در مسیر سفرش از فلسطین، ارمنستان، بین‌النهرین، خلیج فارس، ایران، بلخ، کاشغر، و ختن گذشت و در بازگشت از سوماترا (جنوب هند)، به‌ایران آمد و از راه قسطنطنیه به‌وطن بازگشت. قسمتی از راه سفر پولو همان راه قدیمی سیاح و مسافر معروف چینی هوئن تسانگ بود (۲۱: ج ۱، ص ۴۴۷).

در سده‌های شانزده و هفده، کاشفان و جهانگردان و حادثه‌جویان اروپایی خاور زمین را از نزدیک بررسی کردند و نتایج مشاهدات خود را به‌صورت سفرنامه برجای گذاشتند. برخی، این سفرها را دارای انگیزه‌های خبیثانه می‌دانند و می‌گویند این سفرها در پی اهداف استعماری صورت گرفته‌اند، زیرا در آن‌ها مردم خاور زمین مورد تمسخر قرار گرفته و حقایق وارونه شده‌اند.

بسیاری از بهترین آثار منثور نهضت رمانتیک به‌صورت سفرنامه است. گزارش گونه از سفرش به‌ایتالیا (۱۷۸۶-۱۷۸۸) پرخواننده‌تر از سایر رمان‌های اوست. «نامه‌های یک مسافر روسی» از نیکولای کارامزین (۱۷۶۶-۱۸۲۶) و «کشتی پالادای» از ایوان گانچاروف (۱۸۱۲-۱۸۹۰) از این قبیل آثارند (۶: ج ۲، ص ۸۱۸).

1. Giovanni de Piano Carpini.

ایران در آثار سفرنامه‌نویسان خارجی

هرودوت از قدیمی‌ترین جهانگردانی است که به ایران سفر کرده و گزارش سفر خود را نوشته است. گزنفون، مورخ آتنی (۳۲۵-۴۳۰ ق.م.)، نیز به ایران مسافرت کرده و کتابی به نام «عقب‌نشینی ده هزار نفر یونانی» از خود برجای گذاشته است. در دوره سلطنت اردشیر دوم، کتزیاس، پزشک یونانی به ایران آمد و هفده سال در دربار ایران خدمت کرد و کتابی به نام «پرسیکا» در مورد تاریخ ایران نوشت. آثار این مسافران در دوران

کهن‌ترین سفرنامه موجود
فارسی ظاهراً سفرنامه
ناصر خسروست.

باستان سهم بزرگی در معرفی ایران به مغرب زمینی‌ها و بعدها شناخت تاریخ این سرزمین داشت (۲۰: ۲۲-۲۳). نخستین جهانگرد غربی که در دوران اسلامی به ایران سفر کرد، خاخام بنیامین بن خناح از اهالی تودلای اسپانیا بود که بین سال‌های ۶۹-۵۶۰ ق. در روزگار سلجوقیان از کشور ما

دیدن کرد. او نخستین جهانگرد غربی است که بعد از دوران باستان درباره خلیج فارس مطالبی از خود به جای گذاشته است. پس از او باید مارکوپولو را نام برد که بخش‌های نسبتاً زیادی از سفرنامه‌اش درباره ایران است. از سیاحان معروف عصر تیموری روی گونزالس دو کلاویخو^۱، فرستاده هانری سوم است که در ۷۰۶ ق. به سمت دربار تیمور حرکت و سفرنامه دقیقی تهیه کرد (۲۰: ۵۹، ۱۱۰). جوزافا باربارو^۲ در اواخر قرن نهم از سوی دولت ونیز به ایران اعزام شد. وی در سفرنامه خود درباره شهرها، جشن‌ها، و بازی‌های ایرانی سخن گفته است (۲۰: ۱۱۴-۱۱۵).

جهانگردانی که در دوران صفوی به ایران سفر کردند، سیاحت‌نامه‌هایی درباره ایران نوشته‌اند که در مواردی از منابع مهم ایران‌شناسی و آگاهی از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی دوران صفوی به شمار می‌روند. به جرات می‌توان گفت در هیچ عصری از اعصار تاریخی ایران، سیاحان خارجی به اندازه دوران صفوی درباره کشور ما

1. Ruy Gonzalez de Clavijo.
2. Giosofat Barbaro.

از خود مطلب برجای نگذاشته‌اند. در ۱۰۳۸ ق. یک هیئت نمایندگی انگلیسی برای به‌دست آوردن منابع جدید تجارت وارد ایران شد. یکی از اعضای این هیئت به‌نام توماس هربرت در سفرنامه خود اطلاعات کاملی درباره مسائل اجتماعی و اقتصادی ایران، شهرها، باغ‌ها، تاریخ، جغرافی، باستان‌شناسی، و جز آن در اختیار می‌گذارد. ژان باتیست تاورنیه، یکی از بزرگ‌ترین سیاحان قرن ۱۱ هجری است که در فاصله سال‌های ۱۰۴۱ تا ۱۰۷۵ ق. حداقل شش بار به ایران سفر کرد. او با نظری دقیق به‌امور بزرگ و کوچک بسیاری پرداخته و در بیشتر گزارش‌های خود از تعریف اغراق‌آمیز از ایران خودداری کرده است. او از جامعه ایران عهد صفوی و عادات و رسوم و افکار و عقاید آن‌ها شناخت عمیقی به‌خواننده می‌دهد (۲۰: ۱۳۳، ۱۶۶، ۱۶۹). ژان شاردن در ۱۰۷۶ به ایرن آمد و تا ۱۰۸۲ دوبار دیگر به ایران سفر کرد. گفته می‌شود هیچ فرد اروپایی به‌اندازه او غربی‌ها را با ایران دوران صفوی آشنا نساخت. سیاحت‌نامه ده جلدی او با عنوان «سفرنامه شاردن»، در شمار مفصل‌ترین و بهترین سفرنامه‌هایی است که درباره ایران نوشته شده است (۲۰: ۲۰۱).

پس از سقوط صفویه مسافرت اروپاییان به ایران رونق خود را از دست داد و تا روی کار آمدن قاجاریه به‌جز مواردی پراکنده از ورود ایشان به ایران اطلاعات زیادی در اختیار نداریم، به‌جز ویلیام فرانکلین که از ۱۲۰۰ تا ۱۲۰۲ ق. به ایران سفر کرد. سفرنامه او از این جهت حائز اهمیت است که مربوط به سال‌های آخر دوره زندیه و آغاز سلسله قاجاریه است. او دورنمای مبهم و تاریکی از اوضاع ایران در این دوره نشان می‌دهد (۲۰: ۲۸۰).

در اوایل قرن ۱۳ سیاست‌های نظامی ناپلئون و موقعیت جغرافیایی ایران، راه را بر گروه‌های سیاسی و نظامی و مسافران خارجی گشود. اینان موجب شدند که ایرانیان از فرهنگ و شیوه حکومت اروپا بیشتر آگاه شوند. برخی از این مسافران سرجان ملکم، جیمز موریه (۱۸۴۹-۱۷۸۰ م)، کنت گوینو (۱۸۸۲-۱۸۱۶ م)، و مادام دیولافوا^۱ بودند (۲۰: ۳۱۶-۳۱۲).

1. Dieulafoy.

گوینو در کتاب «سه سال در آسیا» با قلمی شیرین از دیدگاه یک نویسنده هنرشناس و تاریخ‌دان، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را در نیمه قرن نوزدهم بررسی می‌کند. نظریات گوینو مشاهدات یک مسافر است که چه بسا با دیدگاه‌های تحقیقی تفاوت داشته باشد و نباید آن‌ها را مستند و رسمی تلقی کرد. او مشاهدات و نظریات شخصی خود را ابراز کرده است و طی سه سال اقامت در ایران، دیده‌ها و شنیده‌های خود را که تا حدی جنبه تفنن داشته، با زبانی گیرا نوشته است. گوینو براساس عقاید نژادپرستانه خود که به هیچ‌وجه با تعالیم اسلامی و اصول انسانی هماهنگی ندارد، در چند مورد ملت‌های آسیایی و افریقایی را تحقیر کرده است. وی درباره مسائل مذهبی نیز گاه اظهار نظر یا نقل قول‌هایی کرده است که با حقیقت مغایر است. از سوی دیگر اشتباهات تاریخی نیز در این کتاب دیده می‌شود (۱۳: ۱-۸).

مادام دیولافوا همسر مارسل دیولافوا (مهندس و باستان‌شناس)، در مسافرت‌های علمی و تحقیقاتی همسرش در سال‌های ۸۶-۱۸۸۱ م، به فرانسه، ترکیه، قفقاز، ایران، و بین‌النهرین او را همراهی می‌کرد. او از هنگام حرکت از فرانسه تا مراجعت به آن‌جا، وقایع روزانه مسافرت و مشاهدات و تحقیقات شوهر خود را یادداشت کرده و به صورت کتابی با نام «مسافرت دیولافوا در ایران و شوش و کلد» به چاپ رسانیده است. مطالعه این کتاب عظمت و شوکت ایران و سربلندی ایرانیان را در ازمنه تاریخی مجسم می‌سازد و از سوی دیگر سلطنت استبدادی؛ اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زراعتی و تجاری؛ راه‌ها و وسایل نقلیه؛ و به طور کلی وضع زندگی ایرانیان در دوره شاهان قاجار را به طور کامل و دقیق، روشن می‌سازد و نیز درباره آثار تاریخی و ابنیه ایران اطلاعات مفید و دقیقی در اختیار خوانندگان می‌گذارد (۱۴: ۲-۳).

از جدیدترین سیاحان اروپایی که به ایران سفر کرده باید از ابراهام جکسون، استاد دانشگاه کلمبیا و مدرس زبان‌های هند و ایران نام برد، که در ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م به ایران آمد. حاصل مطالعات او کتابی است با نام «ایران، گذشته و حال» که در آن شرح دل‌انگیز سفر خود به ایران را با مطالب تحقیقی تاریخی و باستان‌شناسی به هم آمیخته است (۲۰: ۴۸۶). وی دوباره در ۱۹۰۷ و ۱۹۱۰ م. به این نواحی سفر کرد و در بازگشت به امریکا کتاب «از قسطنطنیه تا زادگاه عمرخیام» را نوشت. وی در سفرنامه اوّلش

توضیحات ارزشمندی درباره طاق‌بستان، معبد کنگاور، تخت جمشید، و سایر آثار باستانی ایران داده است (۸:۷).

سفرنامه‌نویسی نزد مسلمانان. اندکی پس از ظهور اسلام، مسلمانان سفرنامه‌های بسیاری چه به صورت مستقل و چه به صورت کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی تألیف کردند. کتاب‌های «مسالک» که در حقیقت وصف راه‌ها و فاصله شهرهاست، حاصل

مشاهدات نویسندگان آن‌ها بوده و غالباً از نوع سیاحت‌نامه‌ها به شمار می‌روند (۶: ج ۲، ص ۸۱۹). یعقوبی نخستین جغرافی‌نویس عرب است که در قرن سوم هجری سرزمین‌ها را بر پایه مشاهدات خود تعریف کرده و اختصاصاً به همین منظور به سیاحت پرداخته است. به گفته خودش از آغاز جوانی و شگفتگی ذهن،

به دانستن اوضاع شهرها و فاصله راه‌ها علاقه پیدا کرد، از این رو، ممالک اسلامی را گشت (۵۸ ۱۱) و حاصل جست‌وجوها و مسافرت‌های خود را در شرق و غرب در کتاب مختصر اخبارالبلدان تألیف کرد (۵:ز).

از دیگر جهانگردان مسلمان در این عصر ابن حوقل است. وی در ۳۳۱ ق. برای تجارت به بغداد، افریقای شمالی، اندلس، ناپل، عراق، ایران، و قسمتی از هند مسافرت کرد. ابن حوقل سفرنامه خود را المسالک و الممالک نامید ولی اثرش به نام صورة الارض نیز معروف است. وی از نخستین خبرنگاران جغرافیای سرزمین‌های غرب به شمار می‌رود. از دیگر سفرنامه‌نویسان در نیمه اول قرن چهارم یکی از دانشمندان عرب به نام ابودلف است. وی دو رساله پرارزش با نام‌های الرسالة الاولى و الرسالة الثانية نوشته است. رساله نخست مربوط به مسافرت ابودلف میان قبایل ترک آسیای مرکزی چین و هند است و رساله دوم مربوط به مسافرت‌های طولانی او در نقاط مختلف ایران است که در آن با بیانی ساده و به اختصار، اطلاعات بسیار سودمندی درباره ایران آمده است. از دیگر مورخان و جهانگردان قرن چهارم هجری، مسعودی است. وی در سال‌های ۳۳-۳۰۹ ق. به فارس، کرمان، استخر، هند، مولتان، منصوره، چمپا، سیمور، سرانندیب

به جرأت می‌توان گفت در هیچ عصری از اعصار تاریخی ایران، سیاحان خارجی به اندازه دوران صفوی درباره کشور ما از خود مطلب برجای نگذاشته‌اند.

[سریلانکا]، چین، آذربایجان، جزیره ماداگاسکار، گرگان، شام، فلسطین، و انطاکیه سفر کرد و حاصل دیده‌ها و شنیده‌های خود را در کتاب «التنیبه و الاشراف» به‌دقت بیان کرده است (۵: یا - یج).

استخری در ۳۰۳ ق. رو به‌سیاحت نهاد. وی نخستین جغرافی‌نویس ایرانی است که کتابش را براساس مشاهدات شخصی نوشت (۲۰: ۴۴). اطلاعات او دربارهٔ صقالبه (اسلاوها) و قبایل خزر با آن‌که مختصر و پراکنده است خالی از ارزش نیست (۵: ی).

ابوعبدالله محمد بن ابی‌بکر البسار مشهور به‌مقدسی (-۳۸۱ ق.)، سرزمین‌های اسلامی، به‌جز سیستان و اسپانیا را درنوردید. هدف او گردآوری اطلاعات دربارهٔ تمام نقاط دنیای اسلام برپایهٔ مسافرت‌ها و مشاهدات شخصی بود (۱۷: ۵۸).

مقدسی به‌لباس هر گروهی داخل می‌شد تا حقیقت حال ایشان را دریابد، چندان که در شهرها و ممالک مختلف بیش از سی نام و لقب به‌خود گرفت (۱۱: ۳۱۳). ابوریحان بیرونی حکیم و دانشمند نامی ایران، در جریان حمله محمود غزنوی به‌هند، کتابی به‌نام «تحقیق ماللهند» دربارهٔ تمدن هندی نگاشت و به‌گونه‌ای محققانه اطلاعات بسیار دقیق و ارزشمندی دربارهٔ تمدن، فرهنگ، زبان، ادبیات، و مردم آن سرزمین به‌دست داده است. اثر او از زمان نگارش مورد توجه بسیار قرار گرفت (۱۰: ۶۸).

کهن‌ترین سفرنامه موجود فارسی ظاهراً سفرنامهٔ ناصر خسروست. سفر وی از ۴۳۷ تا ۴۴۴ طول کشید. وی در این سفر از شهرهای مرو، نیشابور، سمنان، ری، قزوین، آذربایجان، آسیای صغیر، شام، فلسطین، مکه، و قاهره گذشت (۱۵: ج ۲، ص ۸۹۶). ناصر خسرو از آغاز سفر از دیده‌ها و گاه شنیده‌های خود، یادداشت روزانه برمی‌داشت. زمینهٔ این یادداشت‌ها بسیار وسیع و موضوعات آن‌ها متنوع و ارزنده است (۱۹: سی‌ویک).

خاقانی، شاعر بلند پایه، از شمار سیاحان قرن ششم هجری است که بر سر راه خود به‌مکه، عراق عجم و عراق عرب را سیاحت کرد و حاصل مشاهدات خود را در مثنوی گران‌بهای تحفة‌العراقین جاودانه ساخت (۲۰: ۵۷).

نزاری قهستانی شاعر قرن هفتم نیز در ۶۷۸ سفری به شهرهای اصفهان، تبریز، اران، گرجستان، ارمنستان، باکو، اردبیل، و ابهر داشت و در بازگشت سفرنامه‌ای منظوم سرود (۱۵: ج ۳، ص ۷۳۸).

عبدالرزاق سمرقندی (۸۷-۸۱۶ ق.) در دوران پادشاهی شاهرخ، به سفارت و دربار سلطان بیجانگر از بنادر هند منصوب شد و سه سال از زندگی خود را در این سفر

سپری کرد. شرح این سفر را با توصیف استادانه، هر جا و هر چه دیده بود، در کتاب «مطلع السعدین» به تفصیل آورده است. این کتاب از جمله جامع‌ترین و معتبرترین کتب تاریخ عهد تیموری است (۱۵: ج ۴، ص ۵۱۲، ۵۱۴).

سفرنامه اولیا چلبی (۹۰-۱۰۲۰ ق.)، مستملکات عثمانی، در اروپا و آسیا و آفریقا از بهترین

سفرنامه‌های دوره امپراتوری عثمانی است و درباره تاریخ و جغرافیا و رسوم و فرهنگ عامیانه سرزمین‌هایی که وی از آن‌ها بازدید کرده است اطلاعات گران‌بهایی به دست می‌دهد (۶: ج ۲، ص ۸۱۹).

عظاملک جوینی صاحب «تاریخ جهانگشا» از رجال و مورخان زمان خوارزمشاهیان و مغول است. او نیز چندبار به قراقرم، پایتخت مغولستان، سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول‌ها و یورت‌های اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد (۱۸: ج ۵، ذیل «عطا ملک»).

ابن بطوطه (۷۹-۷۰۳ ق) را معروف‌ترین و مهم‌ترین جهانگرد همه اعصار دانسته‌اند. عنوان سفرنامه او «تحفة النظار فی غرائب الامصار و العجايب الاسفار» نزد اهل دانش بیشتر با نام رحله یا سفرنامه ابن بطوطه شناخته شده است (۴: ج ۱، ص ۲-۱۰۳۱). کتاب او از دو جهت بر سایر سفرنامه‌های اسلامی برتری دارد: اول از جهت وسعت دامنه سفر که در برداشتی داستان مسافرت او از طنجه مراکش شروع شده و به مصر، شامات، مکه، عراق، قسمت بزرگی از ایران، یمن، عمان، بلادالروم، قسطنطنیه، دشت قباچاق، ماوراءالنهر، افغانستان، سند، هند، جزایر جنوبی هندوستان، چین، اندلس،

مگ استنس، سفیر سلوکوس
اول در هند در ۲۹۵ ق.م.
با نوشتن کتابی درباره
هندوستان، دنیای یونان را
به شگفتی وا داشت.

نیجریه، و مانند آن‌ها بسط یافت؛ دوم از جهت صداقت او در بیان اوضاع و احوال ممالکی که دیده است و ضبط و توصیف رسوم و آداب و عادات مللی که در این خط سیر زندگی می‌کرده‌اند (۱۲: ۱۶۵-۱۶۶). سفرنامه ابن بطوطه جهات و جوانب زندگی مردم را نشان می‌دهد. از این رو، نه تنها از لحاظ جغرافیای تاریخی، بلکه برای آشنایی با فرهنگ آن زمان نیز گران‌بهاست (۳: ج ۳، ص ۱۲۶). با مطالعه سفرنامه ابن بطوطه که در فاصله بین ایلغار مغول و یورش تیمور نوشته شده است، تصویر ممالک اسلامی در یکی از حساس‌ترین و بحرانی‌ترین اعصار تاریخ مجسم می‌شود (۲۰: ۹۵).

الغ بیگ، معروف به دون ژوان ایرانی (۶۵-۱۰۱۳ ق.)، منشی ایلچی شاه عباس یکم به دربار شاهان اروپا بود. وی در اروپا به مسیحیت گروید و از طرف دربار اسپانیا به دون ژوان ایرانی ملقب گردید. وی ظاهراً سفرنامه مبسوطی از آنچه در راه دیده و شنیده بود به فارسی تدوین کرد. سپس یکی از دوستانش آن را به زبان اسپانیولی برگردانید که در ۱۶۰۴ با نام «روایات دون ژوان» به چاپ رسیده است (۶: ج ۲، ص ۸۲۰). در جریان جنگ‌های ایران و روسیه در عصر قاجار، میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به ایلچی سفارت، از طرف دولت ایران به روسیه رفت و سرگذشت سفرش را در کتاب «دلیل‌السفرا» تدوین کرد. این کتاب را باید یکی از بهترین و جامع‌ترین کتب درباره اوضاع و آداب و رسوم مردم روسیه دانست (۱۶: یازده).

در ایران، بسیاری از اهل قلم پس از سفر حج به نگارش سفرنامه مکه پرداخته‌اند. فتوح‌الحرمین از محی‌الدین لاری (۹۳۲ ق.)؛ سفرنامه مکه از مشتری خراسانی (۱۲۶۴-۱۳۰۵)، مهتاج‌السعادت از حکیم غلام محمد دهلوی؛ سفرنامه حج میرزا علی خان امین‌الدوله (۱۳۲۲-۱۲۶۰ ق.)؛ و در دوران معاصر خسی در میقات از جلال آل احمد از جمله این آثار است. از اوایل دوران مشروطه، برخی نویسندگان از سفرنامه برای بیان انتقادات خود از اوضاع سیاسی و اجتماعی بهره گرفتند که از آن میان می‌توان به مسالک‌المحسنین از عبدالرحیم طالبوف (۱۳۲۸-۱۲۵۰) و سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ از حاج زین‌العابدین مراغه‌ای اشاره کرد (۶: ج ۲، ص ۲۱-۸۲۰). اثر اخیر در واقع اطلاعات جامعی درباره اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری به دست می‌دهد. کتاب مراغه‌ای را می‌توان نخستین رمان اصیل اجتماعی از نوع اروپایی در زبان فارسی

و هجویه‌ای استادانه دانست که اصول قدیم ایران و اخلاق و عادات ناپسند ایرانیان را به صورت تابلوهای زنده و جاندار و بسیار دقیق مورد ایراد و انتقاد قرار داده است (۱: ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰).

شرایط کنونی. امروزه سفرنامه‌نویسی به‌عنوان شیوه‌ی مطلع ساختن مخاطبان از سرزمین‌ها و مردمان دیگر، جای خود را به گزارش‌های مصوّر و روزآمد تلویزیونی و اینترنتی داده است. به‌این ترتیب، اهمیت سفرنامه‌ها به‌واسطه‌ی آگاهی یافتن از تجربه شخصی مسافر است و از اثرگذاری اجتماعی آن‌ها، آن‌گونه که در مورد سفرنامه‌های قدیمی تصوّر می‌شود، نیز کاسته شده است. در واقع سفرنامه‌نویسی به‌معنای کهن، در جهانی که از لحاظ ارتباطی دیری است به‌دهکده‌ای بدل شده است، کاری کم‌جاذبه می‌تواند باشد.

مآخذ

۱. آربن‌پور، یحیی: *از صبا تا نیما*، زوآر، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۶ ه‌ش
۲. آیتی، محمود «سیری در سفرنامه‌های عصر قاجار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴ ه‌ش.
۳. «ابن بطوطه»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ص ۱۲۶.
۴. «ابن بطوطه»، *دایرةالمعارف فارسی [مصاحب]*، ج ۱، ص ۲-۱۰۳۱.
۵. ابن فضلان، احمد بن فضلان: *سفرنامه*، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، شرق، تهران، ۲۵۳۵=۱۳۵۵ ه‌ش.
۶. برزگر، حسین: «سفرنامه». *دانشنامه‌ی ادب فارسی (۲)*: فرهنگنامه‌ی ادبی فارسی، ص ۲۱-۸۱۷.
۷. جکسون، آبراهام والتاین ویلیامز: *سفرنامه‌ی جکسن: ایران در گذشته و حال*، ترجمه‌ی منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، خوارزمی، تهران، چاپ اول ۱۳۵۲ ه‌ش.
۸. دورانت، ویلیام جیمز: *تاریخ تمدن*، ج ۲، یونان باستان. ترجمه‌ی امیرحسین آریان‌پور، فتح‌الله مجتبابی و هوشنگ پیرنظر، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ه‌ش.

۹. همو: تاریخ تملن، ج ۴، عصر ایمان، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر: شرح حال نابغه شهیر ایران ابوریحان بیرونی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۲۴ ه.ش، چاپ دوم ۱۳۵۲ ه.ش.
۱۱. زیدان، جرجی: تاریخ تملن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۶=۱۳۵۶ ه.ش.
۱۲. ستوده، غلامرضا: مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۳. سفرنامه کنت دوگوبینو: سه سال در آسیا. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کتاب سرا، تهران، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۴. سفرنامه مادام دیولافوا: ایران و کلد، ترجمه بهرام فره‌وشی، قصه‌پرداز، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۵. صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، چاپ چهارم ۱۳۶۶ ه.ش.
۱۶. علوی شیرازی، محمدهادی: سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی ایلچی به روسیه، دلیل‌السفر، ترجمه محمد گلبن، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۷. مارکوپولو: سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلیون، ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو، گویش، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۸. معین، محمد: فرهنگ فارسی، ج ۵، ذیل «عظاملک».
۱۹. ناصر خسرو، سفرنامه، ترجمه محمد دبیر سیاقی، زوآر، تهران، چاپ سوم ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۰. نوربخش، مسعود: مسافران تاریخ، مروری بر تاریخچه سفر و سیاحت‌گری در ایران، جیران، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.
۲۱. نهرو، جواهرلعل: نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸ ه.ش، چاپ هفتم ۱۳۶۱ ه.ش.